

وای به حال مملکتی که آمال دیپلماتهایش زندگی در غربت باشد

سه‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ ✖
فرزانه سید سعیدی

مقام و جایگاه دیپلماتها در جوامع مختلف دارای اهمیت ویژه ای است و صاحبان این شغل از مزایای مادی و معنوی به خصوصی بهره مند هستند.

در ایران نیز دیپلماتها جایگاه ویژه ای دارند و همواره برای کسب ارتقای مقام تلاش می کنند، در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی همیشه تلاش می شود که افراد از فیلتر حراست عبور کنند و کسانی برای این سمت برگزیده شوند که به مبانی نظام اعتقاد اساسی دارند. در مرحله بعدی افرادی برای مأموریت به خارج از کشور انتخاب می شوند که در چارچوب نظام حرکت کنند و به گزینش های وزارتخانه بهترین پاسخ را داده باشند. حال چگونه است که فردی با چنین جایگاه ویژه ای بخواهد مملکت و وابستگی های مادی و معنوی خود را ترک گفته و مشکلات پناهندگی و زندگی در سرزمین غربت را بپذیرد؟! رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی گفته است که دو دیپلمات ایرانی

در کشورهای فنلاند و بلژیک که به تازگی «در اعتراض به سرکوب مردم» از سمت خود کناره گیری کرده اند، به دنبال منافع شخصی بوده و انگیزه سیاسی نداشته اند.

محمد کرمی راد، نماینده مجلس، نیز معتقد است این دیپلماتها دارای مشکلات روحی هستند و با پایان مأموریتشان برای آن که بهانه ای برای باقی ماندن در کشور مورد نظر داشته باشند به دنبال شرایطی برای پناهندگی می گردند و بر همین اساس مطالبی را مانند آن چه در رابطه با این افراد شنیده شد، بیان می کنند.

در صورتیکه فرض را بر این بگیریم که سخن این دو مسوول جمهوری اسلامی صحیح است و این دیپلماتها آمال و آرزوی خود را در پناهنده شدن در کشور محل مأموریت خود می دانند و می خواهند از این مساله استفاده شخصی کنند باید گفت که وای به حال کشوری که دیپلماتهای آن پناهنده شدن را به زندگی در کشور خود ترجیح می دهند. در کشوری

که به گفته مسوولینش رفاه اقتصادی و اجتماعی فراهم است و آزادی وجود دارد چگونه است که یک دیپلمات که در رده بالایی قرار دارد پناهنده شدن و آوارگی در غربت را به زندگی در مملکت خود ترجیح می دهد؟! *

اگر دیپلماتهایی که از حقوق و مزایای نسبتا بالایی برخوردار هستند به حقوق ناچیز پناهنده شدن تن داده اند و زندگی عادی را مدینه فاضله خود می دانند باید به حال بقیه مردم گریست. بطور حتم این دیپلماتها می دانند که پناهندگان از حقوق و مزایای عالی برخوردار نیستند و باید زندگی خود را از صفر و با سختی آغاز کنند. کسانی که چندین ماه در اروپا زندگی کرده اند جذابیت ها و زرق و برق های این قاره برایشان عادی شده است و بطور یقین دلیل زندگی در خارج از کشور را رفتن به کلوپهای شبانه و زندگی در قصر نمی دانند که اگر بخواهند مانند سایر مسولین می توانند از موقعیت خود استفاده کنند و به بهترین نحو از زندگی در کشور به ظاهر اسلامی لذت ببرند.

از نظر مقامات جمهوری اسلامی این دیپلماتها مشکلات روحی دارند زیرا مثل آنان فکر نکرده اند. اگر کسی شکنجه و اعدام و تجاوز را نفی کند و داد مردم را سر دهد مشکل روحی و روانی دارد و اگر به تماشای این جنایات بنشیند و برای این خشونت‌های وحشیانه کف بزند انسان سالمی است.

قرار است وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی از این به بعد در گزینش های خود بیشتر دقت کند اما باید توجه داشت که برای انسان بیشتر از هر چیزی گزینش وجدان مهم است. دور نیست روزی که مسولین نظام یکی یکی در برابر حکومت دیکتاتوری صف بکشند و برای ساختن ایرانی سرفراز به مردم ملحق شوند. پایه های لرزان حکومت با اتحاد و همدلی مردم به زودی در هم خواهد شکست و ایرانی دیگر ساخته خواهد شد و دیگر کسی ادعای خوشبخت شدن در خارج از ایران را نمی کند.